

بمناسبت ۱۸ مارس، سالروز تولد «کمون پاریس»

بحران ساختاری سرمایه و ماشین سرکوب

بعد از جنگ دوم جهانی و آغاز جنگ سرد و عبور از بحران ۱۹۷۳ و پایان جنگ کره و ویتنام، بحرانهای بورس ۱۹۸۷، بحران مالی ۱۹۹۴-۱۹۹۵ (معروف به بحران مکزیک)، سقوط بازار سرمایه آسیا و اروپای شرقی در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۷ و درگیر شدن در جنگ بوسنی، افغانستان و عراق و دستاویز قرار دادن موضوع انرژی و سلاح اتمی و شرکت دادن ایران در این بازی، افزایش سرمایه ثابت جهانی در این مدت حدود پنجاه سال به دو ونیم برابر خود رسیده که کاهش نسبی سرمایه متغیر را در برابر سرمایه ثابت با توجه به بارآوری کار که نتیجه آن گرایش نزولی نرخ سود است به همراه داشته است، امری که سرمایه را با بحران ساختاری در سطح جهان مواجه کرده است.

در این فاصله سرمایه جهانی سعی نموده پس عبور از جنگ کره و ویتنام برای مدتی کوتاه، به ثبات موقت دست یابد و برای مهار نمودن دستمزد ها در دهه ۱۹۷۰ به ابزارهایی مانند صندوق بین المللی پول و تجارت جهانی و اتحادیه های کارگری متصل گردیده و جهت حمایت قانونی و امنیت سرمایه، شورای امنیت سازمان ملل متحد و ارگانه های بین المللی نظیر دادگاهها و دیوان عالی جنایات جنگی را پیش کشیده و مبنای مبادله را از طلا به دلار و یورو تغییر داده و روبل را از اعتبار انداخته و بینش ((جهان یگانه سرمایه)) را به بینش ((بازار آزاد جهانی)) تغییر داده و اتحاد شوروی را بعنوان یک رقیب، کنار گذارده و در تجزیه و جذب نیروهای آن اقدام نمود، پیمان نظامی ورشو را از هم پاشید و بخشی از آن را در سازمان ناتو، سازماندهی کرد و بازار چین را بخدمت خود در آورد. اضافه تولید را با راه اندازی جنگهای خاتمان برانداز و انهدام و از رده خارج کردن مابازای آن پاسخ گفته و حجم بالای نقدینگی را در تدارک و تکامل صنایع نظامی و فروش اسلحه و بکار گیری اسلحه های مدرن در رابطه با جنگهای فرضی، جنگ ستارگان، جنگ علیه تروریسم و غیره مورد استفاده قرار داده است.

ایجادوراه اندازی ارگانه های بین المللی ای نظیر "اتحادیه اروپا" و "نفتا" و کنفرانسهایی نظیر کنفرانس(جی ۸) و کنفرانس(سومیت) و سازمان تجارت جهانی و امثال اینها که اساسا پاسخی ضروری است به بحران سرمایه.

بحران ساختاری سرمایه که بر مبنای نمو سرمایه ثابت و کاهش سرمایه متغیر و به تبع آن گرایش نزولی نرخ سود استوار است، پیامدهای اضافه تولید، اشباع بازار، افزایش حجم نقدینگی، بیکاری و شدت استثمار بر اثر پیشرفت و بخدمت گیری تکنوژی پیشرفته، با بارآوری بالای کار را همراه داشته و با شدت هر چه بیشتر در این مسیر گام بر میدارد بطوریکه بعنوان مثال میتوان این رشد و جابجایی آن را در مورد سه مرکز سرمایه، یعنی آمریکا، کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی و گروه ۷ در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول 1: مقایسه نرخ رشد تولید ناخالص ملی آمریکا با OECD و گروه 7 (%)

گروه 7	OECD	آمریکا	
3.2	3.2	3.3	1990 - 1980
1.9	2.6	3.1	2004 - 1991
2.4	3.0	3.4	2006 - 2005 (بیش بینی)

OECD Economic Outlook, NO 76, 2004, Database

برآیند بحران سرمایه در سطح جهانی، افزایش و تمرکز سرمایه را در دست تعدادی اندک سازمان و سرمایه دار از یک طرف و افزایش فقر و بیکاری را در سطح میلیونی از طرف دیگر به همراه داشته بطوریکه بر اساس امار: طی سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰ سود سرمایه ها، بطور متوسط دو برابر شده است. درآمد ۳ میلیارد نفر از مردم جهان از ۵۰۰ نفر ثروتمند اول جهان کمتر است. بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ میگوید نصف مردم جهان با روزی کمتر از ۲ دلار زندگی میکنند. در اروپا ۹۶ درصد ثروت جامعه در دست یک اقلیت ده درصدی تمرکز یافته است. در کشورهای پیشرفته اروپایی اکنون حدود ۲۵ میلیون نفر بیکارند، پنج میلیون نفر بی مسکن و بیخانمانند و پنجاه میلیون نفر زیر خط فقر زندگی میکنند.

ماشین سرکوب:

ماشین سرکوب بعنوان یک نیروی اجتماعی، ابزار است جهت اعمال قدرت مناسبات حاکم بر نیروهای فرودست و رقیب با بهره گیری از ابزارهای نظم اجتماعی، ابزار مذهب و خانواده که با هدف سرکوب، کشتار، انهدام ثروتهای اجتماعی و منزوی کردن نیروهای غیر حاکم و رقیب صورت میگیرد. بحرانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نقاط عطفی هستند که ماشین سرکوب، بیشتر از هر زمان دیگر حضور خود را بنمایش میگذارد تا بهتر بتواند از منافع مناسبات حاکم دفاع کند و در خدمت آن قرار گیرد. خصوصیت اصلی ماشین سرکوب با حاکمیت سرمایه جهانی در رابطه با بحران ساختاری سرمایه، تولید و بازتولید اعمال قدرتی است که بتواند در پاسخگویی به بحران سرمایه راهگشا باشد. اعمال قدرتی که با تکیه بر ابزارهای نظم اجتماعی به سرکوب، کشتار، انهدام دستاوردهای طبقه کارگر و منزوی کردن آن در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی می پردازد و بایکبارگیری ابزارهای مذهب و خانواده در جهت تولید و بازتولید آن گام برمیدارد و خود را در اشکال مختلف، نظامیگری، دستگاههای پلیسی قضایی، زندانها، دستگاههای تفتیش عقاید و نیز مکمل آنها یعنی اشاعه اعتیاد بمفهوم کلی و در شکل خاص به مواد مخدر و فحشا و بیماریهای واگیردار بنمایش میگذارد و نقطه عطف اعمال قدرت توسط ماشین سرکوب در جنگهای منطقه ای و بین المللی بروز پیدا میکند.

ماشین سرکوب، مصرف کننده، منهدم کننده و محدود کننده است. از این رو، بخدمت گیری نیروهای انسانی و تکنولوژی در این بخش، نه در جهت برآورده کردن نیازهای دایم التزاید جامعه انسانی که با هدف سرکوب نیازها و انهدام منابع مورد نیاز انسانی بکار گرفته میشود و در مفهوم کلی پاسدار سرمایه است. حال برای سرمایه فرق نمیکند که این عمل با اسلحه صورت میگیرد و یا با مواد مخدر و اشاعه فحشا و ایدز و امثال آن. تنها چیزی که برای سرمایه مهم است، ایجاد شرایطی است که بتواند به مفرهایی جهت پاسخگویی به بحران سرمایه دست یابد.

کلیه نیروهایی که در رابطه با ماشین سرکوب از رده خارج میشوند، عمدتاً در صف بیکاران قرار میگیرند. اینها کسانی هستند که یا از کار برکنار، زندانی و بی ارزش میشوند و یا مجبور به مهاجرت از محل خود میگردند. آنها بیکاره در خدمت ماشین سرکوب قرار میگیرند، از آنجاییکه مصرف کننده هستند و باید از دسترنج دیگران که سهمی از معیشت خود را بشکل مالیات پرداخت میکنند، و یا از قیل منابع و معادن که متعلق به همه است، زندگی نمایند، نیروهای غیر مولدی میباشند که بر نیروهای مولد تحمیل گردیده اند.

صنایع نظامی کاربردش در خدمت به ماشین سرکوب است و مجبور است که آخرین تکنولوژی روز را به خدمت بگیرد تا از نظر تدافعی و تهاجمی از رقیب عقب نماند و بمجردی که رقیب به دستاورد تازه ای دست یافت، از آنجایی که تولیدات قبلی کاربردش را از دست میدهد، باید از رده خارج گردد. و چون تولیدات نظامی مثل اسلحه، کاربرد شخصی، معیشتی در ابعاد یک کشور را ندارد یا باید منهدم شود و یا به قیمت ارزانتری به کشورهای عقب مانده فروخته شود.

ایران و ماشین سرکوب:

در رابطه با ماشین سرکوب در ایران باید گفت که: همکاری سازمانها و احزاب چپ و راست سرمایه در ایران و توافق سران دولتهای کشورهای صنعتی در گوادلوپ قبل از روی کار آمدن رژیم حاکم بر ایران، حاوی نکاتی است که نشان میدهد چگونه ماشین سرکوب در پاسخگویی به بحران سرمایه در شکلی نو سازماندهی شد. عمده ترین آنها بقرار زیر است:

- شاه برود و خمینی بیاید.
- ارتش دست نخورده باقی بماند.
- نیروهای انقلابی: اعدام، زندانی و یا منزوی گردند.
- منافع درازمدت کشورهای غربی در ایران تضمین و تامین گردد.

با رفتن شاه و آمدن خمینی، جابجایی نیروها در خدمت به سرمایه صورت گرفت و بسیاری از وابستگان به رژیم شاه از کار برکنار شدند. طبقه کارگر رنجبرهایش درازترو نیروهای انقلابی اعدام و منزوی شدند. با طرح شعار خمینی مبنی بر (ارتش برادر ماست)، علاوه بر اینکه ماشین سرکوب دست نخورده باقی ماند تشکیل سپاه پاسداران و بسیج در دستور کار قرار گرفت و با شروع جنگ خاتمان سوز ایران و عراق ماشین سرکوب جدید با رشد بادکنکی به چندین برابر زمان شاه رسید.

با رشد ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی، شرایط سرکوب نیروهای انقلابی و مصادره اموال رژیم شاه و درگیر شدن در جنگی که بقا رژیم را مستحکمتر میکرد از یک طرف و واگذاری پروژه های عظیمی مثل سد سازی و جاده سازی از طرف دیگر به ارتش و سپاه و بسیج از طرف دیگر، بسیاری از شرکتها و موسسات مشاور و ساختمانی تعطیل گردید و نیروهای مربوطه بیکار گردیدند. این ماشین سرکوب امروز طوری در خدمت سرمایه قرار گرفته و رشد کرده که حدود ۷۰ درصد مسئولین دولت و حتی رییس آن در رابطه مستقیم با سپاه قرار گرفته. جنگ ایران و عراق در سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ باعث گردید تا سپاه پاسداران بعنوان دومین ارتش قانونی ایران رشد نماید. در سال ۱۹۸۰ در حدود ۱۰۰۰۰ نفر مرد مسلح را زیر پوشش داشت که سال بعد به ۵۰۰۰۰ نفر رسید و تقریباً پایان جنگ ایران و عراق در حدود ۴۵۰۰۰۰ در سپاه مسلح بودند. سپاه پاسداران از سال ۱۹۸۵ به بعد به عنوان ارتشی قوی به سه قوای دریایی زمینی و هوایی تقسیم گردید. سپاه پاسداران دارای وزارت خانه و بودجه اختصاصی است.

سرکوب نیروهای انقلابی در رابطه با بزدان انداختن، اعدام کردن و منزوی کردن آنها باعث شد که بسیاری از نیروهای آگاه جامعه کنار زده شوند. و بسیاری از نیروهای جوان و فعالی که میتوانست در آینده موجب دردسر رژیم گردد، با اعزام به جبهه ها ی جنگ یا کشته شدند و یا معلول و منزوی.

علی اکبر یساقی رئیس سازمان زندانهای ایران طی نشستی خبری در تهران اعلام کرده که پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ جمعیت ایران دو برابر شده اما شمار زندانیان در این کشور به ده برابر رسیده است. به گفته وی در اواخر سال ۱۳۵۸ خورشیدی (اوائل سال ۱۹۸۰ میلادی) آمار زندانیان موجود در زندانهای کل ایران کمتر از سیزده هزار نفر بوده در حالی که امروز بیش از صد و سی هزار نفر زندانی در زندانهای کشور حضور دارند. در حال حاضر از بین ۱۴۳ هزار زندانی در ابران حدود ۷ درصد را زنان تشکیل می دهند.

تامین منافع غرب در ارتباط با واگذاری پروژه های عظیم سد سازی، پتروشیمی، تزریق گاز پارس و غیره و نیز توسعه و گسترش پیمان منطقه ای اکو شرایطی را بوجود آورده تا گردش سرمایه بین المللی براحتی بتواند به بازار های منطقه وارد شود. و تلاش در جهت وارد شدن به تجارت جهانی و قبول ضوابط آن، چیزی است که در جهت منافع سرمایه بین الملل و بر علیه طبقه کار و زحمتکشان عمل میکند. خبرگزاری فارس: طی ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۰۵ میلادی، مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا به ۲۱ میلیارد و ۹۲۰ میلیون یورو (۲۶ میلیارد دلار) رسید.

صنایع نظامی ایران در خدمت ماشین سرکوب:

با مقایسه ای کوتاه به رشد صنایع نظامی رژیم حاکم نسبت به رژیم شاه در میابیم که علاوه بر اینکه جامعه ایران نتوانسته از وابستگی نظامی به سرمایه جهانی خلاصی پیدا کند، بلکه ماشین سرکوب و تولید و باز تولید ملزومات آن، چگونه توانسته این بخش از صنایع را در پاسداری از سرمایه در رقابت منطقه ای قرار دهد و ثروتی را که میباید در جهت بر آوردن نیاز های دایم التزاید جامعه بکار گرفته شود، در خدمت ماشین سرکوب قرار داده. در رابطه با صنایع نظامی در زمان شاه و وابستگی این صنایع به امریکا و مشخصا در رابطه با صنایع هلکوپتر سازی بل در اصفهان، در اواسط سال ۱۹۷۷ بالغ بر ۳۱ هزار مستشار امریکایی در ایران بسر میبردند که این تعداد در سال ۱۹۷۸ به ۴۵ هزار رسید. در این رابطه امریکاییها حق هرگونه دخالت را از نیروهای داخلی سلب کرده و اداره امور ارتش را راسا برعهده گرفتند. تا ایران بتواند بعنوان ژاندارم منطقه چماق دست سرمایه باشد. در رابطه با صنایع نظامی، آنچه قبل از سرنگونی رژیم شاه در ایران تولید میشد، صرفا تولید سلاحها و مهمات سبک بوداز قبیل تولید فشنگهای سبک و نیمه سنگین تیربار ژ ۳ و فشنگ سلاحهای کمری.

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی، کاربرد صنایع نظامی، بر علیه نیروهای انقلابی، شرکت در جنگ ایران و عراق و تبدیل شدن به ژاندارم مطرح منطقه، رشد بیسابقه ای نمود و در این مسیر، تا دستیابی به بم اتمی پیش رفته است. لازم میدانیم به بخشی از تولیدات صنایع نظامی رژیم حاکم اشاره ای داشته باشیم.

برخی از تولیدات صنایع موشکی عبارتند از: موشک شهاب ۳ (برد ۲۵۰۰ کیلومتر)- موشک فاتح- موشک توفان(با عمق نفوذ ۷۶۰ میلیمتر و برد ۳۸۵۰ متر و دارای سیستم ضد جمینگ)-موشک تندر-راکت صاعقه-موشک صیاد ۱ و ۲ - موشک شهاب ثاقب- موشک میثاق ۱ و ۲ - موشک کروژ- موشک دریایی نور. در بخش زمینی: انواع و اقسام مهمات سبک و سنگین تولید تانکهای ذولفقار ۱ و ۲ و ۳ و نفر بر شنی دار آبی-خاکی براق و تولید انواع واقسام توپها و توپهای خود کششی هویترز و تولید مین کوب تفتان و تولید انواع و اقسام خودروهای تاکتیکی دو دیفرانسیل و خودروهای تجاری زمین خودرو.



تولید سلاح ملی انفرادی خیبر. تولید بیسیمهای جهش فرکانسی و سیستمهای اپتیکی شنود زیر آبی و تلفنهای زیرآبی و سونار. صنعت میکروالکترونیک و آبتو الکترونیک که در خدمت صنایع هوایی قرار دارد و میتواند در صورت نیاز به صنایع میکروچیپس تبدیل گردد. و تولید قطعات در انواع شاخه های الکترونیک و ساخت سیستم رادار ۳ بی-ام-د که قادر به ردیابی و هدایت موشک های مهاجم است.

در بخش صنایع دریایی، سیستمهای الکترونیکی و سلاحهایی مثل تیربار و موشک و ساخت قایق های تند رو و شناور ها دنبال میگردد و در مونتاژ آنها اقداماتی صورت گرفته. از جمله زیر دریایی السابحات و تولید قطعات ساختاری، پنلهای ساندویچی، انواع لوله های مختلف هیدرولیکی و هواناوهای یونس ۶ و یونس ۲۲ طراحی شده است. و اولین لندین گرافت سنگین برای سازمان بنادر و کشتیرانی در وزارت دفاع ساخته شد.

قطعه سازی در صنایع هوایی، در اختیار شرکت پنهان قرار گرفته که هم هلیکوپترهای شبابوز و ۲۰۹۱ و شاهد را تولید میکند و هم تعمیرات را بعهده گرفته است.

در طراحی هواپیماهای بدون سرنشین، هواپیماهای ابابیل، مهاجر ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و هدهد و صاعقه ۱ و ۲ را تولید میکند. و طراحی هواپیما جت اینتگرال و ایران ۱۴۰ در دستور کار خود قرار داده. و تولید ساخت شیشه و لاستیک هواپیما، از دیگر تولیدات این بخش است.

نهاد های مذهبی بعنوان ابزار سرکوب قرون وسطایی:

ماشین سرکوب در ایران به ابزارهای نظم اجتماعی، ختم نمیشود. بلکه بعنوان یک نیروی اجتماعی که در همه عرصه های باید تولید و باز تولید گردد، در اشکال دیگر سرکوب، یعنی نهادهای مذهبی و خانواده ایفای نقش میکند.

قوای سه گانه، قانونگذاری، مجریه و قضایی، در رابطه با نظم اجتماعی و سیستم ولایت فقیه و مشخصا شورای نگهبان، شورای مصلحت نظام و غیره در رابطه با عنصر مذهبی و سیستم پدرسالارانه حاکم در خانواده، ابزار های ماشین سرکوب در ایران میباشند.

ماشین سرکوب در ایران تا انجا پیشرفته که کوچکترین خواسته برحق کارگران را با گلوله، زندان و اخراج از کار پاسخ میدهد، قتل عام نیروهای انقلابی راسد افتخارات خود میداند و هرگونه روشنگری و آزادی بیان را با ترور و زندان و اعدام جواب میدهد. سیستم ممیزی و ساتسور را در رابطه با مطبوعات و کتاب و فیلم و مراکز آموزشی بخدمت گرفته و در تولید و باز تولید این سیستم همینقدر کافی است که بدانیم: دکتر رامشت سرپرست دانشگاه اصفهان طی سخنانی در دانشگاه اصفهان خطاب به فعالان فرهنگی اظهار داشت:

شما عامل تولید فرهنگ اختلاط هستید و یک روز به این جرم سر شما را میبرند. من بعنوان رئیس دانشگاه آمده ام که مسجد درست کنم، آمده ام که هیات سینه زنی درست کنم. قرار است نماز راه بیاندازم. قرار است کانون قرآن راه بیاندازم. من آمده ام که مجلس هفتگی روضه زنانه در دانشگاه راه بیندازم. من آمده ام که نوحه گر در دانشگاه تربیت کنم. طی دو سال گذشته، وب لاگ نویسان هم به جمع روزنامه نگاران، نویسندگان و روشنفکران پیوستند که بدلیل ارانه عقاید خود در وب سایت های شخصی شان، بازداشت و زندانی شدند.

هم اینک نزدیک به ده هزار طلبه از ۹۰ کشور جهان در مرکز جهانی علوم اسلامی قم (مقصود همان مدرسه طلبگی است) مشغول به تحصیل علوم دینی هستند.

بیش از ۱۴ هزار خاتم در مراکز حوزوی استان قم مشغول تحصیل هستند. خاتمی با پرداخت ۲۸ میلیارد تومان به مرکز خدمات حوزه علمیه قم بودجه آن را در سال ۱۳۸۲ نسبت به سالهای ۷۵ و ۷۶، سی برابر افزایش داده است.

بودجه نهادهای مذهبی در سال ۸۵ :

بودجه نهادهای مذهبی در سال ۸۵ نسبت به سال گذشته به طور متوسط بیش از دو برابر افزایش یافته است. علاوه بر اینها بعضی از نهادهای سیاسی و تبلیغاتی نیز از بودجه بالایی برخوردار شده‌اند این اعترافی است که یک نماینده مجلس هفتم با ارایه جدول مقایسه‌ای، بودجه تعدادی از نهادهای سیاسی و مذهبی را به وضوح نشان می‌دهد.

ارقام بودجه نهادهای سیاسی و مذهبی در لایحه سال ۱۳۸۵

سازمان تبلیغات اسلامی ۱۱۱ میلیارد و ۹۳۰ میلیون

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ۲ میلیارد تومان

بنیاد دایره المعارف اسلامی ۲ میلیارد تومان

موسسه دایره المعارف فقه شیعه ۲ میلیارد تومان

مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۹ میلیارد و ۷۸۳ میلیون تومان

مجمع جهانی اهل بیت ۵ میلیارد و ۴۱۸ میلیون تومان

مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی ۲ میلیارد و ۹۴۵ میلیون تومان

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۳۸ میلیارد و ۳۲۵ میلیون تومان

مرکز خدمات حوزه های علمیه ۲۳ میلیارد و ۳۶ میلیون تومان

مرکز خدمات حوزه علمیه قم ۳۵ میلیارد تومان

حوزه های علمیه خاوران ۱۰ میلیارد و ۱۵۴ میلیون تومان

مرکز مدیریت حوزه علمیه ۶ میلیارد تومان

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۲ میلیارد و ۵۵۵ میلیون تومان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۲۳ میلیارد و ۸۸۰ میلیون تومان

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها ۱۲ میلیارد و ۱۳۸ میلیون تومان

کتابخانه آیت الله مرعشی ۱ میلیارد و ۱۶۶ میلیون تومان

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۳ میلیارد و ۳۱۳ میلیون تومان

سازمان تبلیغات اسلامی ۲۹ میلیارد و ۹۷۱ میلیون تومان

سازمان صدا و سیما ۳۲۶ میلیارد و ۵۲۰ میلیون تومان

کمیتة امداد امام خمینی ۱۰۰۷ میلیارد و ۶۴۵ میلیون تومان

برنامه نظارت شورای نگهبان ۱۰ میلیارد و ۵۶۰ میلیون تومان

شورای نگهبان ۱۸ میلیارد و ۴۳۹ میلیون تومان

اعتبار طرح های مربوط به سفرهای مقام رهبری ۱۷۵ میلیارد تومان

اعتبار طرح های مربوط به سفر رئیس جمهور ۷۰ میلیارد تومان

نهاد ریاست جمهوری (کمک به افراد حقیقی و حقوقی) ۶۰ میلیارد تومان

جمع کل ۱۹۸۲ میلیارد و ۵۴۸ میلیون تومان

ارقام و اعداد لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ در ظاهر حاکی از افزایش ۲۳ درصدی بودجه کل کشور نسبت به سال ۸۴ است (۱۹۵ هزار و ۶۵۷ میلیارد تومان برای سال ۸۵ نسبت به ۱۵۸ هزار و ۹۹۸ میلیارد تومان مصوب سال ۸۴) باید در نظر گرفت که سه محل عمده تامین منابع مالی دولت عبارتند از:
-درآمدهای عمومی که عمدتاً شامل درآمدهای مالیاتی است
- (واگذاری دارایی سرمایه ای) و واگذاری دارایی مالی
-درآمد ناشی از صادرات نفت خام

بودجه , تواناییها و فروش اسلحه در جهان:

آمریکا:

بودجه نظامی آمریکا که در سال ۱۹۵۰ فقط ۱۲,۵ میلیارد دلار بوده که قدرت تخریبی این سیستم ضد بشری را نشان میدهد. آمریکا با یک بودجه نظامی ۴۸۰ میلیارد دلاری به جنگ یوگسلاوی رفت و در عراق نیز ماهیانه بیش از هشت میلیارد دلار هزینه نظامی دارد چیزی در حدود بودجه نظامی آمریکا در سال ۱۹۵۰ در حال حاضر تنها آمریکا ۱۶۰۰۰۰ نیروی نظامی را در عراق مستقر کرده است.



با نگاهی آماری به ابزار های این ماشین سرکوب, مثل صنایع و خدمات نظامی , زندانها و غیره, متوجه خواهیم شد که سرمایه چگونه نیرو های فعال جامعه را به نیروهای منزوی و منفعل تبدیل میکند و هزینه های را که باید در مسیر رفاه و آبادانی مصرف گردد برای خرید اسلحه مصرف میگردد:

کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۰۴ میلادی بیش از یک تریلیون (هزار میلیارد) دلار به ارتش های خود اختصاص دادند.

یکی از علل افزایش هزینه ارتش های جهان در سال ۲۰۰۴, که به حدود یک تریلیون و سیصد و پنجاه میلیون دلار یعنی معادل ۲/۶ درصد مجموع تولید ناخالص تمامی کشورها رسید, افزایش بودجه نظامی ایالات متحده در راستای اجرای سیاست آن کشور در مبارزه با تروریسم عنوان شده است. سهم بودجه نظامی آمریکا در جمع هزینه های نظامی جهان به حدود ۴۷ درصد و سهم بریتانیا و فرانسه هرکدام به ۵ درصد می رسد.

در مجموع, در سال گذشته, پانزده کشور به روی هم معادل ۸۲ درصد کل بودجه نظامی جهان را به ارتش های خود اختصاص دادند.

بودجه نظامی ایالات متحده در سال مالی ۲۰۰۵ با رشدی حدود هفت درصد نسبت به سال قبل, از ۴۰۰ میلیارد دلار نیز فراتر رفت تا منابع لازم را برای اجرای برنامه های دفاعی و از جمله ادامه حضور نظامی آن کشور در خارج از مرزها تامین کند.

کنگره آمریکا لایحه بودجه نظامی چهارصد میلیارد دلاری ارتش آمریکا را تصویب کرد که به موجب این لایحه آمریکا اجازه می یابد تحقیق و توسعه تسلیحات اتمی با تخریب پایین را از سر بگیرد .
لایحه تامین بودجه وزارت دفاع آمریکا برای سال ۲۰۰۶ به تصویب کمیته ناظر بر نیروهای مسلح در سنای آمریکا رسید.

با تصویب این لایحه ممنوعیت تحقیق درباره توسعه کلاهک های اتمی که نیروی انفجاری آنها کمتر از پنج کیلو تن است لغو می شود. از سویی مقامات دولت آمریکا می گویند: تصویب این لایحه به آمریکا در نابودی مخازن زیرزمینی و ذخایر شیمیایی و تسلیحات اتمی اش کمک خواهد کرد

بودجه کل وزارت دفاع برای سال آینده نزدیک به ۲۱ میلیارد دلار بیش از رقم فعلی ۴۲۰,۶ میلیارد دلار است. این لایحه همچنین ۵۰ میلیارد دلار برای عملیات ارتش آمریکا در افغانستان و عراق در نظر گرفته است که جدا از بودجه کل پنتاگون برای سال آینده می باشد.

بودجه کل

تقاضای پنتاگون: ۴۴۱,۷ میلیارد دلار
تصویب شده از طرف کمیته: ۴۴۱,۶ میلیارد دلار

بودجه پرسنل

تقاضای پنتاگون: ۱۰۸,۹ میلیارد دلار
تصویب شده از طرف کمیته: ۱۰۹,۲ میلیارد دلار

بودجه خرید و فراهم سازی تکنولوژی و ابزار و آلات نظامی

تقاضای پنتاگون: ۷۶,۶ میلیارد دلار
تصویب شده از طرف کمیته: ۷۸,۲ میلیارد دلار

بودجه پژوهش، توسعه، آزمایش و ارزیابی

تقاضای پنتاگون: ۶۹,۴ میلیارد دلار
تصویب شده از طرف کمیته: ۶۹,۸ میلیارد دلار

بودجه بهره برداری، نگهداری و تعمیرات

تقاضای پنتاگون: ۱۲۶,۹ میلیارد دلار
تصویب شده از طرف کمیته: ۱۲۶,۹ میلیارد دلار

بودجه ساختن پادگان و انبارهای نظامی

تقاضای پنتاگون: ۱۲,۱ میلیارد دلار
تصویب شده از طرف کمیته: ۱۲,۱ میلیارد دلار

بودجه عملیات وابسته به دفاع و به اجرای وزارت انرژی

تقاضای پنتاگون: ۱۷,۴ میلیارد دلار
تصویب شده از طرف کمیته: ۱۷,۰ میلیارد دلار

در سال ۲۰۰۰ بودجه دولت آمریکا دارای مازادی بالغ بر ۲,۵ در صد تولید ناخالص ملی بود. اما پس از سال ۲۰۰۱ مخارج دولت با سرعت از درآمدهای آن پیشی گرفت، بطوری که در سال ۲۰۰۳ مازاد بودجه به کسری هنگامی بالغ بر ۳,۵ در صد تولید ناخالص ملی تبدیل شد. در آستانه سال ۲۰۰۵ کسری بودجه دولت آمریکا نزدیک به ۴,۵ در صد تولید ناخالص ملی رسید. علل عمده این کسری هنگام عبارتند از: کاهش درآمدهای مالیاتی، رکود ناشی از بحران بازار بورس، سیاست های مالی ضد رکودی و افزایش بودجه نظامی و امنیتی آمریکا.

در سال مالی ۲۰۰۳-۲۰۰۴ نرخ رشد تولید ناخالص ملی آمریکا بالغ بر ۵,۳ در صد بود. در آوریل-دسامبر ۲۰۰۴ این نرخ به ۳,۳ در صد کاهش یافته است

آقای بوش می خواهد طی چند سال آینده به میزان تقریباً ۴۰ میلیارد دلار از بودجه "مدیکر"، که یک برنامه بیمه بهداشتی برای تنگدستان، سالخوردگان و معلولان است بکاهد.

همچنین در نظر است از هزینه آموزش های شغلی، نظام قضایی و حمل و نقل کاسته شود.

دولت آمریکا می گوید برای به نصف رساندن کسر بودجه تا سال ۲۰۰۹ مجبور است از این هزینه ها بکاهد. دولت آمریکا گفته است انتظار دارد کسر بودجه برای سال مالی جاری به رقم بی سابقه ۴۲۳ میلیارد دلار برسد. آقای بوش می خواهد این کسری به حداکثر ۳۵۴ میلیارد دلار کاهش یابد.

باید در نظر داشت که: در سال های اخیر، تشکیلات دفاعی بسیاری از کشورها بخش رو به گسترشی از فعالیت های رزمی خود، مانند آموزش های نظامی و خدمات تدارکاتی را به شرکت ها و موسسات دیگر واگذار می کنند و هزینه آنها در اقلام بودجه نظامی طبقه بندی نمی شود. تخمین زده می شود که حجم این هزینه ها در خلال پانزده سال اخیر دو برابر شده و به رقم یکصد میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ رسیده باشد

آقای بوش ضمن تشریح طرح های دولت خود برای مخارج سال ۲۰۰۷ خواستار افزایش ۶/۹ درصدی بودجه نظامی که آن را به بیش از ۴۳۹ میلیارد دلار می رساند شده است.

رئیس جمهور آمریکا با تاکید بر ادامه تمرکز شدید بر تهدید تروریسم، همچنین خواستار افزایشی ۳/۳ درصدی در بودجه سازمان امنیت داخلی شد. این سازمان پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایجاد شد.

برای جبران کسر بودجه عظیمی که دولت آمریکا با آن روبروست، پیشنهاد شده است در سال ۲۰۰۷ مبالغ کمتری به برخی بخش ها از جمله بودجه بهداشتی اختصاص داده شود.

عملیات نظامی آمریکا از دوره کارتر:

در السالوادور، از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ با حمایت سازمان سیا، صد هزار غیر نظامی در جنگ های داخلی کشته می شوند.

در نیکاراگوآ، حمایت نظامی از کنتراس ها از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ که ساندینیست ها از قدرت کنار زده می شوند.

در لبنان، ارتش آمریکا و اسرائیل حامی فلانژهای لبنان در اخراج و کشتار فلسطینی ها است: ۱۹۸۴
۱۹۸۲

۱۹۸۳ حمله هوایی به گرانادا و بمباران غیر نظامیان.

۱۹۸۶ حمله هوایی به شهرهای لیبی و بمباران غیر نظامیان.

۱۹۸۹ دخالت نظامی در فیلیپین

۱۹۹۱ حمله به عراق به بهانه آزاد کردن کویت. بمباران مداوم غیر نظامیان عراق پس از آزادی کویت.

۱۹۹۴ دخالت نظامی در هائیتی برای بازگرداندن آریستید

۱۹۹۸ حمله موشکی به کارخانه‌های داروسازی سودان که (سلاح شیمیایی تولید می‌کرده‌اند!)

۱۹۹۸، حمایت از تشکل نظامی اوچه‌کا و عملیات تروریستی‌اش در یوگسلاوی

۱۹۹۹ بمباران یوگسلاوی، به بهانه حمایت از مردم مسلمان کوسوو!

۲۰۰۱ تهاجم نظامی به افغانستان، جهت نابودی طالبان، که با حمایت آمریکا به قدرت رسیده بودند

۲۰۰۳ تهاجم نظامی به عراق جهت استقرار دموکراسی و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌هایی که هنوز یافت نشده‌اند

چین

چین اعلام کرده است که در سال آینده بودجه نیروهای مسلح این کشور حدود ۱۵ درصد افزایش یافته و به ۳۵ میلیارد دلار خواهد رسید. این در حالی است که طبق تخمین آمریکا، سال گذشته بودجه نظامی چین نزدیک به ۹۰ میلیارد دلار بوده است.

بالا رفتن هزینه‌های نظامی هند و چین نیز از جمله عوامل دیگری است که به رشد سریع بودجه نظامی سال گذشته در کل جهان منجر شد.

چین پس از چند سال دو میلیارد نفر جمعیت خواهد داشت و مشکلات زیادی برای این کشور بوجود خواهد آمد (کمبود زمین، نفت، جنگل، فلزات و مواد غذایی). چین برای رفع این مشکلات اشغال نظامی مناطق جدید را نیز در مد نظر خواهد گرفت

چین برای دومین دهه قرن بیست و یکم ۲۰ میلیون سرباز آماده به جنگ خواهد داشت. آنها مجرد خواهند بود و هیچ مشکلی برای آنها وجود نخواهد داشت. نیروی جوان و آماده به جنگ

روسیه:

پتانسیل اقتصادی روسیه ۵ بار از هندوستان، دو بار از برزیل، سه بار از چین و ایتالیا، چهار بار از انگلستان و فرانسه، شش بار از آلمان، ۱۱ بار از ژاپن و نهایت ۲۵ بار از آمریکا کمتر است. در سال ۱۹۹۸ آمریکا ۳۲٫۸ درصد، ژاپن ۳۶٫۹ درصد، آلمان ۴۶٫۹ درصد، فرانسه ۵۴٫۳ درصد، انگلستان ۴۰٫۲ درصد مخارج داخلی را صرف بالا بردن توان رزمی داخلی صرف کرده بودند در حالی که این رقم در روسیه ۱۸٫۸ درصد بود. نتیجه این که سطح بهره‌وری بهینه از جمعیت سیاسی در روسیه معاصر دو تا سه بار کمتر از کشورهای غربی و ژاپن است.

در سال ۱۹۸۵ پتانسیل اقتصادی آمریکا چهار تریلیون دلار بود. به معنی دیگر سطح بالا بردن توان نظامی داخلی آمریکا نیز ارتباط ارگانیکی با این رقم داشت در حالی که این مبلغ در اتحاد شوروی ۱٫۵ تریلیون بود. اگر این تفاوت را همچنان پیگیرانه دنبال کنیم در سال ۲۰۰ کشور آمریکا ۳۵ تا ۳۸ بار از روسیه قوی تر شده است. ما تفاوت‌ها را در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و روابط بین‌المللی مورد بحث قرار نمی‌دهیم. مخارج دفاعی برای یک فرد نظامی در آمریکا ۱۹۰ هزار دلار، در انگلستان ۱۷۰ هزار دلار، در آلمان ۹۴ هزار دلار، در ترکیه ۱۲ هزار و ۷۰۰ دلار، در اوکراین ۱۵ هزار در روسیه هزار و ۸۰۰ دلار در سال است. یعنی پنجاه بار کمتر از آمریکا است.

هم اینک روسیه دارای ۵۰ ماهوار است که اغلب آنها کار خود را کرده‌اند. اما آمریکا هم اینک ۵۰۰ ماهواره در نزدیکی زمین دارد.

ده سال پس از فروپاشی شوروی تعداد نیروهای نظامی ارتش روسیه از ۳٫۹ میلیون نفر به ۱٫۲ میلیون نفر کاهش یافته است. با این حال تعداد ژنرال‌ها دو هزار نفر بیشتر شده است. سی درصد از تفنگ‌های سنگین ارتش روسیه فرسوده شده‌اند.

منطقه خاورمیانه همچنان از خریداران اصلی تسلیحات است

ایران از لحاظ نسبت هزینه‌های نظامی به تولید ناخالص داخلی در میان ۱۸ کشور مورد بررسی در خاورمیانه و شمال آفریقا رتبه پانزدهم را در اختیار دارد. کشورهای عمان با نسبت ۱۱,۶ درصد، و موریتانی با ۱,۷ درصد به ترتیب در صدر و انتهای این رده بندی قرار دارند.

پس از عمان کشورهای قطر، اسرائیل، کویت، عربستان سعودی، اردن، سوریه، یمن، بحرین، مراکش، لیبی، مصر، الجزایر، لبنان، ایران، امارات، تونس، و موریتانی به ترتیب در رده های دوم تا هجدهم قرار دارند. از لحاظ نسبت سرانه هزینه‌های نظامی نیز، ایران در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در رده پانزدهم قرار دارد.

از لحاظ بودجه های نظامی ایران در میان کشورهای خاورمیانه پس از عربستان سعودی با ۱۹,۳ میلیارد دلار، اسرائیل ۷,۸ میلیارد دلار و کویت ۴ میلیارد دلار با ۳,۵ میلیارد دلار چهارمین کشور خاورمیانه محسوب می‌گردد. در پی افزایش جنگ لفظی بین آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره باغ، آذربایجان اعلام کرد که در سال ۲۰۰۶ بودجه نظامی خود را تا دوبرابر افزایش خواهد داد و به سقف ۶۰۰ میلیون دلار خواهد رساند.

ما در بالا به برخی از نهادها و ملزومات ماشین سرکوب سرمایه اشاره ای داشتیم. باشد که این مختصر، وسیله ای باشد در جهت شناخت بیشتر از سازمان سرمایه تا سازمانیابی بر علیه آن، آگاهانه تر صورت گیرد.

کمون پاریس و ۱۸ مارس ۱۸۷۱ و ۲۰۰۶

وقایع ۱۸ مارس ۲۰۰۶، تکرار حوادث کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ در مبارزه طبقاتی بر علیه قوانین ضد کارگری سرمایه است



تظاهرات اصلی در مناطق مختلف فرانسه در اعتراض به یک قانون جدید کار که اخراج کارگران جوان را آسان تر می کند، برگزار شد

قانون جدید به کارفرمایان اجازه می دهد تا کارگران زیر ۲۶ سال را هر زمان که خواستند و بدون اینکه مجبور به ارائه دلیل باشند، اخراج کنند.

در فرانسه ۲۰ درصد جوانان بین ۲۵-۱۸ سال بیکار هستند

حدود یک و نیم میلیون نفر در سراسر فرانسه در تظاهرات شرکت کردند. گزارش شده ترکیبی از دانشجویان، کارگران، بازنشستگان و خانواده ها در تظاهرات پاریس، حضور داشتند.

به گفته سازماندهندگان تظاهرات پاریس، بیش از ۳۰۰ هزار تن در تظاهرات شرکت کردند



کمون پاریس ۱۸۷۱:

در نخستین جلسه کمون که در عصر روز ۲۸ مارس ۱۸۷۱ تشکیل شد، از نخستین فرمانهای صادره این بود که:

جمهوری ۱۸۷۱ کارگری است که مخصوصا نیاز به آزادی دارد تا صلح را بارور گرداند. صلح و کار تنها ثمرات آینده ما هستند. تضمین مسلم انتقام ما و احیای اجتماعی ما هستند، و با ایمان به این مسئله، جمهوری هنوز میتواند حامی و پشتیبان ضعفا و نگهدار کارگران و امید ستمدیدگان در جهان و بنیان استواری برای جمهوری جهانی باشد.....

کمون فرمان دیگری منتشر نمود دایر بر اینکه تنها نیروی مسلح در پاریس نیروی گارد ملی است.

کمون اداره پلیس و ژاندارمری سابق را نیز که ابزار های شکنجه و سرکوبی دولت بر ضد نیروهای مترقی ملت و بخصوص طبقه کارگر بودند منحل نمود.

کارل مارکس در باره این فرمان چنین نوشته است: همینکه کمون از کار انحلال ارتش دائمی و پلیس، این دو ابزار قدرت مادی دولت سابق، فراغت یافت در صدد بر آمد تا ابزار معنوی سرکوبی و اختناق توده ها یعنی ((قدرت کشیشان)) را نیز درهم بشکند، این بود که فرمان انحلال همه کلیسا ها و مصادره اموال آنان را در مقیاسی که مالک شمرده میشدند تصویب کرد.

کمون در این روز فرمانهای دیگری صادر کرد که نمونه ای از آنها چنین است:

اصل انتخابی بودن همه کارمندان دولتی را اعلام کرده، در امر دادگستری، اصلاحات بنیادی به عمل آورده و امور قانونگذاری و اجرایی را در دست خود متمرکز می سازد، اموال گروگان را در بانک های رهنی و غیره.. آزاد می کند، گیوتین و وسائل شکنجه را می سوزاند

آزمون کمون پاریس نه تنها درستی نظریه تنوریکی اظهار شده توسط مارکس در ۱۸۵۲ را تایید کرد بلکه نشان داد که خراب کردن ماشین دولت بورژوازی در عمل چگونه صورت میگیرد.

ابتکار توده ها که با ضرورت یک جنگ طبقاتی بی امان برانگیخته شده بود راه حل عملی کردن یک وظیفه دیگر را نیز که بطرزی جدایی ناپذیر وابسته به وظیفه اول بود پیدا کرد، و آن گذاشتن یک ماشین نو بجای ماشین خرد شده دولت بورژوازی بود.

گذاشتن مردم مسلح بجای ارتش دائمی و پلیس، تخریب دستگاه کهنه اداری (بوروکراتیک) و تعویض آن با دستگاههای جدید دولتی متشکل از نمایندگان برخاسته از میان توده ها، انتخابی کردن و قابلیت عزل قائل شدن و مسئول قرار دادن کلیه مستخدمین دولت در برابر ملت، نزدیک کردن حد اکثر حقوقها به دستمزد یک کارگر کارآموده، جمع کردن قوه مقننه و قوه اجرائیه در یک دستگاه واحد و عالی دولتی (کمون) و تبدیل آن به یک (بنگاه کار)، متحد کردن ملت از راه تشکیل مجدد کمونها بر مبنای یک (تمرکز پرولتری آگاه و با وجدان و دموکراتیک). اینها تصمیماتی بود که بوسیله کمونارهای پاریسی به مرحله اجرا در آمدند و بعقیده مارکس و انگلس و لنین کمون پاریس را بعنوان دولتی از نوع جدید مشخص و متمایز ساختند.

با آزمون کمون ثابت شد که طبقه کارگر نمیتواند خود را راضی کند به اینکه ماشین دولت را بهمان شکل که هست بدست بگیرد و آن را برای خود بکار اندازد. مارکس نوشته است: شرط مقدماتی و تضمین کننده پیشبرد هر انقلاب واقعا توده ای الغا و امحای دستگاه کهنه بورژوازی است.

۱۸ مارس ۲۰۰۶

کمونیهستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com